

هند

فرهنگ های فارسی

نوشته پرفسور م. س. انور رئیس بخش فارسی و عربی و اردوی
دانشگاه پنجاب

پروفیسور براون در کتاب گرانمای خود به نام «تاریخ ادبیات فارسی» ، تنها از دو
تألیف در زمینه فرهنگ نویسی نام می برد: لغت فرس و فرهنگ انجمن آرای ناصری . لغت فرس
را علی اسدی طوسی فراهم آورده بود که پدرش ابونصر احمد بن منصور اسدی دوست و
همشهری فردوسی بود. نسخه ای ازین فرهنگ که قدیمی ترین اثر در نوع خود به شمار می رود،
به خط مؤلف (۵۶ - ۱۰۵۵ میلادی) در وین موجود است. فرهنگ انجمن آرای ناصری،
چنانکه از عنوانش نیز برمی آید ، در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار فراهم آمد و گرد
آورنده آن رضا قلی خان هدایت ملقب به لاله باشی است . نسخه های چاپی این فرهنگ
هنوز هم در هندوستان به دست می آید . فرهنگهای دیگری نیز می توان نام برد که در خود
ایران فراهم آمده اند اما باین همه این حقیقت را نباید نادیده انگاشت که تعداد اینگونه
فرهنگها بسیار کم است و ایرانیان در این زمینه کار مهمی نکرده اند و در این رشته نوشته های
پیش از ادات الفضلاکار محققین و پژوهندگان ترکستانی است .

فرهنگ های فارسی را که در هندوستان فراهم آمده است می توان در دو دوره مجزا و
مستقل از یکدیگر قرار داد . یک دوره از سال ۱۴۱۹ تا ۱۶۵۲ میلادی و دوره دیگری از
۱۶۵۳ تا ۱۷۸۲ در دوره نخست کوشش زیادی شد که مواد کار را از تمامی منابع موجود
تهیه و جمع آوری کنند و کتابهایی چون ادات الفضلا ، شرفنامه ابراهیمی و مدارالافضل ،
فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع بدین دوره تعلق دارد . در دوره دوم مواد فراهم آمده در
دوره پیش مورد بررسی دقیق و انتقادی قرار گرفت و با فرهنگ رشیدی آغاز شد و با مصطلحات
الشعراء به پایان رسید . سراج اللغة که کشاینده فصل جدیدی در کار تألیف فرهنگ بود و نیز
بهار عجم در این دوره گرد آمد .

از نقطه نظر زمان ، فرهنگهای فارسی مؤلف در هند را می توان به نحو زیر برشت

هم آورد :

ادات الفضلا به سال ۱۴۱۹ میلادی - شرفنامه ابراهیمی ۱۴۴۵ ، مؤید الفضلا -
۱۵۱۹ - مدار الفضلا ۱۵۹۳ - فرهنگ جهانگیری ۱۶۰۸ - برهان قاطع ۱۶۵۲ -
فرهنگ رشیدی ۱۶۵۳ - سراج اللغة ۱۵۳۷ بهار عجم بین سالهای ۱۷۳۹ - ۱۷۶۸ و
مصطلحات الشعراء در سال ۱۷۸۲ میلادی .

در گفتگوی از سهم هند در نوشتن فرهنگهای فارسی این نکته را باید یاد آور

شد که تقریباً همه ایالت‌های این کشور پهناور فرهنگی به زبان فارسی فراهم آورده‌اند . اجازه دهید نام این ایالت‌ها را همراه با نام فرهنگهایشان در این جا بیاوریم : بنگال . شرف‌نامه ابراهیمی بهار : کشف‌اللغه دکن : برهان قاطع اکراوود : سراج‌اللغه ، مرآت . الاصطلاح و بهار عجم پنجاب : مدارالافاضل ، فرهنگ جهانگیری و مصطلحات الشعراء . سند : فرهنگ رشیدی کشمیر : آئین عطا .

این نکته نیز شایان توجه است که در ایران با آنکه نوشته‌های ایرانیان به زبان هندی (جزکارهای خسرو و فاضلی) مورد توجه واقع نشده است ارزش فرهنگهای فارسی نویسندگان هندی تأیید کامل به دست آورده است .

از آن جا که گرد آوردن مواد از منابع موجود تنها مسأله مورد توجه فرهنگ نویسان دورت‌اول بشمار می‌رفت (۱۴۱۹ - ۱۶۵۲) در مؤلفات این دوره افزایش تدریجی واژه‌ها مشاهده می‌شود تا آنکه فرهنگ جهانگیری به حد کمال می‌رسد .

فرهنگ جهانگیری با همه تساهلی که در واژه‌ها و تعبیرهای آن شده بود باز به عنوان بهترین کار و به منزله فرهنگی عالی شناخته آمد . فرهنگهای دقیق‌تر و منتقدانه‌تر بعد از فرهنگ جهانگیری ظاهر شد .

فرهنگ جهانگیری را بدین لحاظ که مجموعه کوششهای این دوره را در زمینه فرهنگ نویسی در بردارد برای بحثی خلاصه در این باب می‌توان به منزله نقطه شروع بر گریه . فرهنگ جهانگیری چنان در هندوستان روائی یافت که تمامی منابعی که گرد آورنده آن یعنی کمال‌الدین اینجو بدانتها رجوع کرده بود فراموش شد . فرهنگ جهانگیری از لحاظ واژه‌های ادبیات کلاسیک و پیش از دوره کلاسیک ایران فرهنگی غنی و در نوع خود عالی بشمار می‌آید بخصوص بدین دلیل که شرح و بسطی که برای هر واژه می‌دهد بسیار زیاد است . قسمتی از این فرهنگ مورد استفاده زیاد مؤلف ایرانی فرهنگ نیمه هندی مجمع . الفرس سروری واقع شده است و عبدالرضا و خان آرزو نیز تمامی آن را به دقت بررسی کرده‌اند . عیب اصلی این فرهنگ در مثالهایی است که در توضیح واژه‌ها از آثار منظوم آورده است و بر اثر شتابزدگی معنی را مبهم ساخته . از نحوه بیان سروری در باره جمال‌الدین چنین بر می‌آید که او احترام زیادی برای وی قائل بوده است . هر جا سروری معنی واژه‌ها را نمی‌پذیرد ، ذکر می‌نماید که این معنی دور از ذهن است . « باید توجه داشت که استفاده از فرهنگ جهانگیری بی مقایسه معنی‌های آن با معنی‌های مجمع‌الفرس کار سودمندی نیست . برهان قاطع را که برهان فراهم آورد ، می‌توان از نظر روشن بودن معانی و جامعیت در پایه فرهنگ جهانگیری دانست . اما این فرهنگ از لحاظ نقل آثار گذشتگان فرهنگ ناقصی است . همین دلیل می‌شود آن را نسخه بدل فرهنگ جهانگیری دانست که توضیحات آن را فاقد است . این نکته را نیز در این جا توجه می‌دهم که برهان قاطع موجب به راه افتادن مباحث انتقادی دامنه‌داری در هندوستان گردید . نخست خان آرزو در سراج‌اللغه ، جنبه‌های

ضعیف این فرهنگ را بر ملا ساخت. سپس بعد از ۱۲۶ سال برای بار دوم مورد حمله شاعر بزرگ فارسی و اردو یعنی میرزا غالب واقع شد. وی نظر خود را در کتاب کوچکی به نام قاطع برهان نشر داد که جدال سخت تری را در این باب دامن زد و کتابهایی چون ساطع برهان (از رحیم)، محرك قاطع برهان (از سعادت علی)، تیغ تیز (از غالب) و شمشیر نیز ترا (از احمد علی) یکی پس از دیگری به رشته تحریر در آمد. تمامی این کتابها در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور موجود است. قاضی عبدالودود که چندین درجه علمی نیز دارد، هنگام مطالعه این آثار انتقادی کتب دیگری یافت که امروز نایاب هستند. برهان قاطع پس از چاپ آن بوسیله «کاپیتن روباک» و فرهنگ فارسی ولانتی وولر شامل اغلاطی که خان آرزو از برهان بیرون کشیده بود در اروپا شهرت بسزا یافت.

فرهنگ رشیدی را عبدالرشید فراهم آورده بود بدین منظور که نادرستی های فرهنگ جانگیری و مجمع الفرس سروری را اصلاح کند؛ فرهنگهایی که خود اعتراف داشت که بهترین فرهنگهای موجود آن زمان بشمار می رفتند. فرهنگ رشیدی این امتیاز را دارد که نخستین تألیف انتقادی در این باب است. در این فرهنگ قسمت عمده بنای کاربرد نفحص در اصل کلمات نهاده شده است. با آنکه کمتر از آنچه شایسته آن است معروف شده، ارزش فوق العاده نیز نمی توان بر آن قائل بود. بنابراین نظر «بلوخ مان Blochmann» عبدالرشید در کار خود دقیق ترین فرهنگ نویسی است. کلمات مشکوک را خیلی کم و به ندرت از فرهنگهای دیگر گرفته است و در این گونه موارد بابه رفع اشکال اقدام ورزیده یا هر آینه بدین کار توفیق نیافته است سر بجا اعتراف کرده است که لغت را نمی داند یا «مشکوک است» یا فقط نوشته است «الله اعلم».

سراج اللغة با آنکه کشاینده فصل جدیدی در کار فرهنگ نویسی بود، امروز کمتر مشهور است و بهین دلیل شایسته است دقیق تر درباره آن بحث کنیم.

خان آرزو، مؤلف این فرهنگ بانوغ همه جانبه ای که داشت و بادر نظر داشتن اطلاع اواز زبانهای گوناگون و تاریخ ملل و تیز به لحاظ آثار بزرگی که فراهم آورده است می توان تالی خسرو و فاضی شمرد. خان آرزو کسی بود که برای نخستین بار توجه زبان شناسان را به وجود رابطه نزدیک میان فارسی و سانسکریت معطوف داشت.

سراج اللغة در نوع خود فرهنگ جامعی بشمار می رود که جز خان آرزو کسی دیگر قدرت فراهم آوردن آن را نداشت. این کار خان آرزو بر اساس تحقیقی در اصل کلمات نهاده شده است و محتوی تمامی لغات موجود در برهان قاطع می باشد به اضافه ملاحظاتی انتقادی و معطوف درباره هر یک از آن واژه ها.

با ملاحظه ناسامانی اوضاع دوره ای که مؤلف بدین کار خطیر دست یازید شخص بیشتر متوجه اهمیت این اثر می گردد. خان آرزو به موانع و مشکلاتی که در این راه بود اشاره می ورزد و می گوید که: زندگی آرام در این سرزمین از میسان رفته بود. دوستان دست یاری دراز نمی کردند و مردم توجه و علاقهای به کارهای مبتنی بر تحقیقات علمی نشان

نمی‌دادند. و نیز می‌گوید که اصلاً امید نداشته است کارش مورد پسند و قبول و ستایش واقع شود. اما باز می‌گوید که عشق و علاقه‌اش به شرکت و کار در زمین‌های کونا کونا دانش او را بر آن می‌داشت که این کار عظیم را از پیش برد. مدعی است که هرگز فرهنگی به زبان فارسی که از نظر وسعت تحقیق تا بدین پایه باشد وجود نداشته است و همچنین مدعی است که فرهنگ‌های دیگر به اندازه فرهنگ او درست و جامع نیستند. وی منظور و هدف خود را از فراهم آوردن چنین فرهنگی این‌طور بیان کرده است: هیچ فرهنگی از لحاظ درستی معانی و شرح و بسط مفاهیم دشوار، به‌یابۀ فرهنگ رشیدی نمی‌رسد در عین حال برهان قاطع نیز از لحاظ جامعیت کار ممتاز است اما در هر دوی این آثار نقائس وجود دارد، بخصوص در برهان قاطع که لغات با املائی غلط و معانی غیر واقعی فراوان است. این فرهنگ به منظور نقائس آن دو فراهم آمده است و در بسیاری از موارد از تکرار توضیحات و مثال‌هایی که در فرهنگ جهانگیری، مجمع‌الفرس سروری و فرهنگ رشیدی دیده می‌شود خود داری شده است.

علاوه بر تحقیقات مستقل خود، منابع مورد استفاده او بنا بر اظهار خودش اینهاست: مجمع‌الفرس - فرهنگ رشیدی، مؤید الفضلا، دور غرر، برهان قاطع، فرهنگ جوینی، کشف‌اللغه و شروخی بر کتاب گلستان سعدی و مثنوی مولوی. نسخه خطی کتاب یک محقق ایرانی به نام مؤیدالدین علی قوسی نیز به دست خان آرزو افتاد که آن را پسندید و بهمین دلیل در کار سراج‌اللغه از آن مدد گرفت.

اهمیت اساسی سراج‌اللغه در این است که این کتاب تفسیری بر برهان قاطع و انتقادی از فرهنگ رشیدی شمرده می‌شود. از همین جا باید دانست که مراجعه به برهان قاطع بی استفاده از سراج‌اللغه نه تنها بی‌فایده است در اغلب موارد گمراه کننده نیز هست گاهی که خان آرزو نسبت به لغتها مشکوک شده است، فرهنگ رشیدی را مورد دقت قرار داده. با این حال واژه‌هایی هست که از نظر عبدالرشید - پاهمه دقتی که می‌کرده فرومانده است و در پیدا کردن شرح انتقادی مربوط به بدین واژه‌ها سراج‌اللغه اثر را ارزش‌تر و ارجمندتری به حساب می‌آید.

این اثر که برای مؤلفش لقب سراج‌المحققین را آورد، مرجع معتبری است برای کسانی که می‌خواهند درباره شاعران قدیم ایران مطالعه کنند و جای بسی تأسف است که این فرهنگ که آن را کشابنده فصل‌نازما می‌دکار فرهنگ نویسی خواندیم و مانند فرهنگ‌های اروپائی مطابق ترتیب حروف الفباء منظم شده است هنوز هم به چاپ نرسیده است. بنا بر آنچه بند را بان خوشگو مؤلف سفینه خوشگو (درسه مجلد) که شاگرد خان آرزو بود می‌گوید، سراج‌اللغه حاوی ۵۰ هزار بیت است. این فرهنگ چنان توجه نک چند بهار را جلب کرد که از آن در تألیف خود به نام بهار عجم استفاده فراوان برد.

در حالی که بنا بر مجمع‌النقائس، به اجازه خان آرزو، بهار قسمتهای عمده‌ای از سراج‌اللغه و چراغ هدایت را در کتاب خود بکار زده بود و در حقیقت چیزی برای خود او

نگذاشته بود باز هم عطاءالله دانشور خان قدرت کشمیری تمامی سراج اللغه را دزدانه در آئین عطای خود مصرف کرد.

جای بسی شگفتی است که خاور شناسان اروپائی اصلاً بدین کشف خان آرزو، یعنی قرابت فوق العاده دو زبان سانسکریت و فارسی توجهی نکرده اند. ازین مهمتر جنبه ریشه شناسی این کشف بود زیرا برای نخستین بار توجه پژوهندگان ایرانی و هندی را به ضرورت تحقیق تطبیقی بین این دو زبان خواهر جلب کرد. و بنا بر این جنبه های گوناگون قرابت هند و ایرانی را روشن ساخت.

کشف خان آرزو، مانند کشف نیوتن اتفاقی نبود. او می گوید وجود این قرابت بین فارسی و سانسکریت نمی تواند مورد بی اعتنائی چنین کسانی در کار تحقیق تطبیقی این زبانها قرار گیرد. وی همچنین می گوید که هیچ هندی یا ایرانی های قبل از او نتوانسته است وجوه اشتراك زبانهای سانسکریت و فارسی را دریابد.

درست است که خان آرزو، مانند سرویلیام جونز، پدر فیلولوژی جدید، اساس کشف خود را بر نظریه های استوارتساخت، اما بهر حال سزاوار است که به عنوان اولین محقق غیر اروپائی در این رشته شناخته شود که میدان تازه ای برای کار تحقیق جست و یاب نهاد. با توجه به مطالعه سیستماتیک خان آرزو در زمینه تغییرات فیلولوژیک واژه های فارسی و سانسکریت متوجه می شویم کار به اندازه ای که در آن روزگار برای آسیائیان میسر بود صورت علمی داشت. مثلاً فیلولوژی هند و ایرانی کری Gray که کامل ترین اثر در این زمینه بشمار می رود، از بعضی لحاظ، در سراج اللغه و قسمت دوم آن یعنی چراغ هدایت قبلاً به همان گونه مذکور افتاده بود.

نسخ خطی سراج اللغه بسیار کم یاب است. در هندوستان فقط سه نسخه از آن وجود دارد. که دو تای آن در کتابخانه دولتی رامپور است؛ کتابخانه ای که اخیراً رضاناامیده شده است و یکی نیز جزو نسخ خطی فارسی مجموعه انجمن آسیائی بنگال می باشد. يك نسخه نیز هست که فعلاً از هندوستان بیرون برده شده و اکنون در اختیار اداره هند است و از افتخارات کتابخانه آن اداره بشمار می رود.

چراغ هدایت یا قسمت دوم کتاب سراج اللغه اثر کوچکتری است حاوی تقریباً پنجاه هزار بیت از اشعار فارسی. این کتاب محتوی واژه ها و تعبیراتی است که شاعران ایرانی بعد از جامی بکار برده اند و در فرهنگ جهانگیری و مجمع الفرس سروری و برهان قاطع وجود ندارد. خان آرزو مدعی است واژه هائی را که در این کتاب آورده بادقت سنجیده است و نمونه هائی از شاعران معتبر زبان فارسی در شرح آنها ارائه داده. این تألیف، چنانکه کرد آورنده آن می گوید، برای هندیان پارسی گو فراهم آمده است.

نسخه خطی چراغ هدایت تقریباً در هر گوشه ای از هندوستان یافت می شود و

حاجت به یادآوری نیست که بکرات در حاشیه های غیاث اللغه در مطبع نول کشور کامپور چاپ شده است .

مرآت الاسطلاح که اثر کوچک اما بسیار پرارزشی است ، توسط رای رایان آنندرام مخلص فراهم آمد . این مرد نویسنده چند دیوان و چند کتاب به نثر بود و مدتی نیز شاگردی خان آرزو را کرده بود . وی خان آرزو را نویسنده ای با استعداد و نابغه ای فوق العاده می دانست . مخلص مدعی بود که در آثار منشور و منظوم خود به فارسی هرگز کلمه ای مصرف نکرده است مگر لغاتی که بتواند از بزرگان سخن فارسی مثالهایی در شرح و توضیحشان بیاورد . مرآت الاسطلاح محتوی واژه ها و تعبیرهایی است که شاعران فارسی پیش و معاصر با مؤلف بکار برده اند و مانند سراج اللغه و چراغ هدایت بر پایه تحقیقات اصولی زبان شناسی استوار است . مخلص گاهی نیز به حاشیه پردازیهای زائد دست زده است مثلاً در ذیل واژه حزین ، شرح حال شاعر معروف شیخ محمدعلی حزین را هم آورده است که آن موقع در دهلی می زیست و تعدادی از اشعار خود را نیز به خط خویش به مخلص داده بود .

نسخ خطی ابن تألیف ، نیز مانند نسخ سراج اللغه کم یاب است . نگارنده این سطور فقط دو نسخه آن را دیده است که یکی در کتابخانه لاهور و دیگری در کتابخانه پاتناست . بهار عجم یکی از بزرگترین فرهنگهایی است که يك من واحد ، ترتیب داده است . تك چند بهار بین سالهای ۱۷۳۹ و ۱۷۶۸ میلادی هفت بار این کتاب را چاپ کرد و هر بار مقدار زیادی بر آن افزود و تکمیلش کرد . وی بجز قسمتهایی که از سراج اللغه و چراغ هدایت بیرون کشیده ، در فرهنگ خود از تنبیه الغافلین خان آرزو و نیز قسمتهایی آورده است . این کتاب خان آرزو شامل تحقیق در . . . ۴ قطعه از اشعار شاعر معروف علی حزین است . کتابهای دیگری نیز که در بهار عجم جا گرفته است عبارت است از : کتاب کوچکی به قلم محمد افضل طبیب الله آبادی رساله مخلص کاشی و قسمتی از مصطلحات الشعراء که در آن زمان هنوز کامل نشده بود و کتاب دیگری که عنوان و نام نویسنده اش معلوم نیست . بهار برای خان آرزو احترام بیش از معمول قائل است و همیشه او را سراج الشعراء می خواند یا سراج المحققین . باید دانست که تصور او از فرهنگ نویسی تصویری علمی بود نور تحقیقات شخصی خود بیش از هر چیز دیگر اطمینان می بست . مثلاً صرف نظر از احترام و ستایش فوق العاده ای که از خان آرزو می کند هر جا فرصتی دست داده است ، او را به انتقاد می بندد هدف اصلی بهار عجم این است که نحوه استعمال لغت را در دوره های جدید نیز بنمایاند و بهمین دلیل تمامی مثالها از میان کارهای شاعران جدید انتخاب شده است . از شاعران پیش از جامی نیز گاهی مثالهایی نقل کرده است که چندان شایان توجه نیست .

ارزش کار تحقیق اصولی بهار که چهل سال بدان مشغول بود چندان زیاد نیست ، زیرا بهار عجم ، یعنی کار تمامی عمر او کتابی بود که با استعانت از آثار دیگران و فرهنگهای متعدد قبلی فراهم آمده بود . بهار عجم به عکس سراج اللغه - که گمنام مانده است - در

کوشه و کنار دنیا شهرت یافته ، دانشمندان شرق و غرب آن را ستوده‌اند و بهترین فرهنگی دانسته‌اند که در هندوستان تألیف شده است .

چاپ سنگی این کتاب چندین بار نشر یافته است و با آنکه اینک نایاب است ، باز هم تهیهٔ نسخ آن چندان دشوار نیست .

کتاب مصطلحات الشعراء به قلم سیالکوٹی مال وارسته ، منتقد و شاعر است که مطلع السعدین وصفات کائنات اوشهرت دارد . این فرهنگ در سال ۱۷۸۲ میلادی یعنی بعد از پانزده سال کار ، به انجام رسید و همان طور که اشاره رفت بخشی ازین کتاب را بهار در بهار عجم بکار برده است . کار وارسته از نظر انتقادی متضمن تازگی‌هایی است . او بزم‌اندا بهار به فرهنگ خان آرزو توجه دقیق داشت اما گاهی نیز کار وارسته با وی تفاوت‌هایی یافته است ، و اگرچه مصطلحات الشعرا بر اثر نقل نکردن تفسیرها و توضیحات کتاب کوچکی شمرده می‌شود ، باز هم بی هیچ تردیدی بایستی آن را فرهنگ اصیلی دانست که حاصل تحقیق و مطالعه‌ای مستقل است .

یافتن نسخه‌های چاپی این کتاب در بازار تا اندازه‌ای دشوار است .

آئین عطا یا بنا به روایت خان آرزو ، آب حیات مؤلف عطاء الله دانشور خان ندرت کشمیری را می‌توان سندی دانست بر اتهام خان آرزو و به ندرت که وی کتاب خود را جعلگی از راه دستبرد به سراج‌اللمغه فراهم آورده است . ندرت درجائی می‌گوید که تألیف این کتاب بیست سال طول کشیده است و اساس آن بر پایهٔ سراج‌اللمغه ، بهار عجم و فرهنگ قوسی نهاده شده . از این جا معلوم می‌شود که ندرت - سارق ادبی - شاید از نظر اصلاح و شاید هم از نظر حفظ آبرو ، بعدها متوجه اشتباه خود گردیده است و دین خود را نسبت به خان آرزو تأیید و اعتراف کرده است .

از نظر حجم کار، آئین عطا به بهار عجم شباهت دارد، همان‌طور که خان آرزو در در تنبه الغافلین شعرهای متعددی از حزمین شاعر ایرانی را اشقاد کرده است، ندرت به کرات او را تجلیل کرده ، وی را شیخ‌المحققین خوانده است .

تنها نسخهٔ خطی این فرهنگ که من از آن آگاهی دارم ، در کتابخانهٔ ادارهٔ هند محفوظ است و تصور می‌رود که به خط خود ندرت باشد .

فرهنگ‌هایی که بعد از مصطلحات الشعرا فراهم آمده‌اند ، از آن جهت که هیچ کدام اصالتی ندارند ، نیازی به بحث در اطرافشان نیست .

ترجمهٔ ایرج پزشک‌نیا